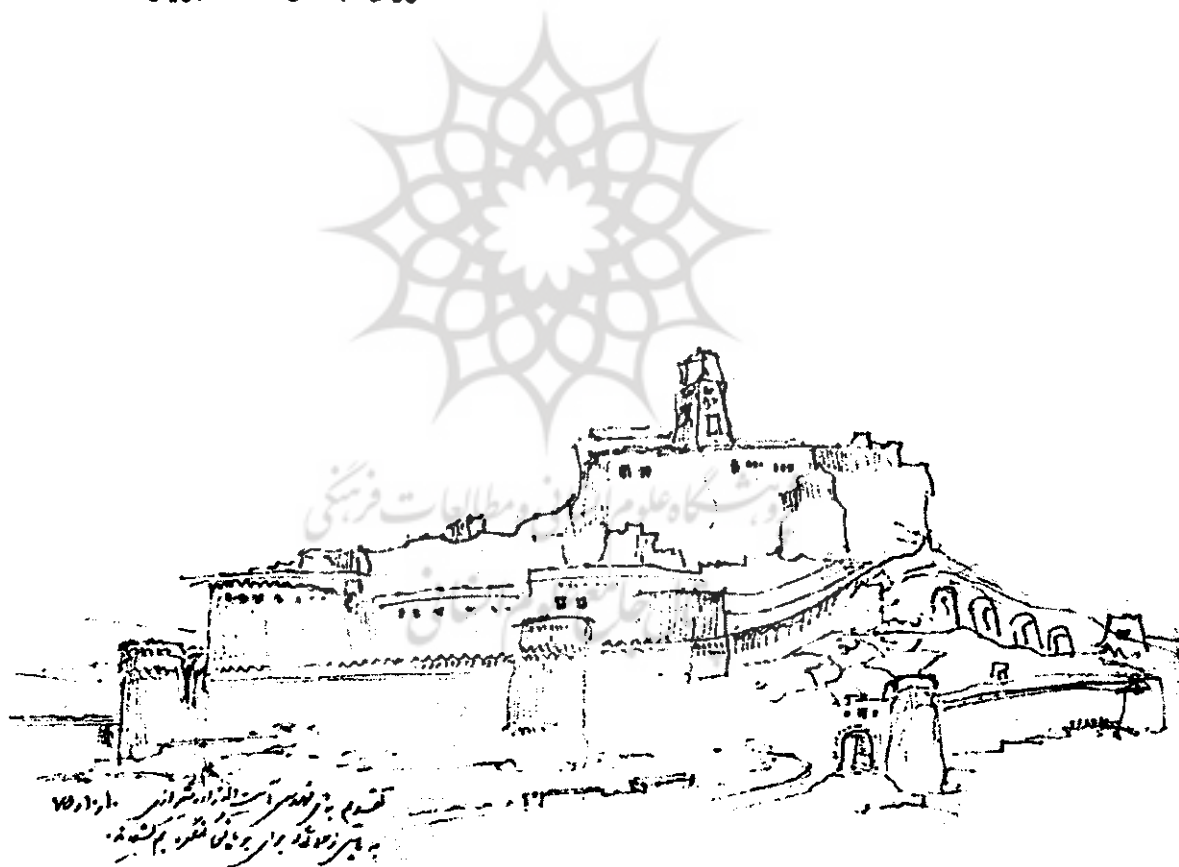


سیمای تاریخی ارگ بم

شادروان مهندس محمد مهریار



سرآغاز:

شهر بم و محوطه تاریخی ارگ بم، به لحاظ کالبدی از توده‌های معماری انباشته بر روی هم تشکیل شده است، هر چند که پیش از وقوع زلزله سال ۱۳۸۲، شکوه جلوه‌های معماری و سایه روشن‌های نمای بیرونی آن زبان زده‌همه زیبا پسندان بود و محبوبیت والایی در میان بازدیدکنندگان و جهانگردان داشت، هنوز هم کم و بیش انتظار می‌رود که جذابیت پیشین خود را باز یابد. اما نکته بسیار مهم این که آسیبی به مواد و مصالح تاریخی این مجموعه ارزشمند وارد نشده و همچنان در خور بررسی و شایسته کاوش‌های باستان‌شناسی است و اطلاعات سر به مهر آن در انتظار توجه علمی باستان‌شناسی و مطالعات معماری است. مهمترین آسیبی که به این مجموعه تاریخی وارد آمده است، فرو ریختن برخی از لایه‌های محافظ تعمیراتی استوار شده بر شالوده لایه‌های باستانی فرسوده است، که هر گوشه آن ساخت و بافتی متفاوت از یکدیگر دارد. با این ترتیب محتمل است که در صورت نبودن لایه‌های محافظ مرمتی اخیر، توده‌های فرسوده خشتی لایه‌های زیرین دچار آسیب‌هایی به مراتب شدیدتر می‌شد. برخی از بخش‌های لایه‌های باستانی و ساخت و سازهای زیرین از دوران بسیار کهن دچار آسیب بوده و همچنان بر جا مانده‌اند و برخی در دوره‌های فقر یا تنگناهای جنگ، در حین حمله یا دفاع با شتاب ترمیم شده و به همان حال بر جا مانده است، روشن است که بدون مطالعات گسترده باستان‌شناسی و شناخت سیر تحولات معماری کمتر می‌توان به مرمت اصولی موضع در دست تعمیر پرداخت؛ و به همین لحاظ مرمت‌های انجام شده در نخستین گام با هدف خواناسازی لایه‌های معماری و آراستگی فضا و در برخی از موارد با هدف دفع آسیب‌های موضعی و سطحی صورت گرفته است.

در حال حاضر چشمگیرترین تاثیر زلزله بر توده‌های غیرهمگن معماری دوره‌های تاریخی، ایجاد درز و ترک و برخی جدا شدن هر بخش همگن از دیگر بخش متفاوت همجوار آن است. هر چند که در برخی از موارد رفتار زلزله در بنا، با شکاف‌های

عمیق در میان توده‌های همگن نیز به چشم می‌خورد که به دلیل یک نواخت نبودن و یا یک پارچه نبودن بستر یا ناهنجاری سطح همجواری توده‌های متکی به یکدیگر رخ نموده است.

تعمیراتی که طی بیست سال گذشته صورت پذیرفت، بیشتر به جنبه حفاظتی و توسعه سطحی هرچه وسیع‌تر، توجه داشته است که با توجه به سطح بسیار گسترده (بیست هکتاری) از مجموعه بناهای ارگ پوششی عمومی بر مجموعه داشته باشد ولی چه بسیار هستند از بخش‌هایی از مجموعه که تاکنون مجال رسیدگی سطحی به آن‌ها تا دست نداده و تا پیش از زلزله مورد مرمت قرار نگرفته بودند.

از آن جا که نخستین گام در شناسایی ویژگی‌های معماری و باستانی این مجموعه، تهیه نقشه‌های معماری مجموعه و فضای پیرامون آن در مقیاس‌های گوناگون است، این مهم در سال گذشته و پس از گذشت سالیان دراز و به طور نسبی تکمیل و آماده بهره برداری گردید و نمونه‌هایی از آن در جزوه راهنمای بازدیدکنندگان از ارگ بم نیز به چاپ رسید.

طی سی سال گذشته مطالعات معماری و بناهای خشتی ارگ بم و ثبت و ضبط ویژگی‌های تاریخی و کالبدی آن مورد استقبال دانشجویان دانشجویمان دانشکده‌های معماری و باستان‌شناسی قرار داشته و این مجموعه کم و بیش زمینه مناسبی برای استخراج اطلاعات علمی بوده است.

با تهیه نقشه مادر، انتظار می‌رفت که مطالعات انجام یافته در یک جا گردآوری شود تا بتوان به تدریج ولی در مقیاس کلان به برنامه ریزی، تحقیق و تولید اطلاعات علمی پرداخت.

با تهیه نقشه مادر، مقدمات کار مطالعه علمی ارگ بم فراهم آمد، ولی تاکنون مجال برنامه ریزی تحقیقاتی در مقیاس کلان دست نداده است، و به خودی خود پیش از پایان نخستین مرحله مرمت‌های حفاظتی این مجموعه تاریخی فرصت مطالعاتی این مجموعه به موارد یاد شده محدود بوده است. با این حال در مجاورت پلکان آجری بخش شرقی دروازه در برش‌هایی که به علت فرسایش شدید در باروی (۶)، ایجاد شده بود به طور مقدماتی بررسی گردید و نه لایه متفاوت ساخت و ساز دیده شد که هر بخش آن از مصالح ساختمانی کاملاً متفاوتی شکل گرفته بود.

- در سطوح زیرین بارو، خشت‌های بدون قالب بزرگ بخشی از

فضای بارو را شکل داده‌اند. چهره این توده‌های گلی که در ملاط نشانده شده‌اند بیشتر همانند کلوخ است.

- در کنار آن بخش دیگری از بارو با خشت‌هایی به اندازه‌های ۱۲-۱۳×۲۲×۲۳ سانتیمتری که بافت بسیار منظمی دارد بکار رفته است و از دیگر مشخصات آن اطلاعی در دسترس نبود.

- بخش دیگری از این بارو با خشت‌های ۱۴-۱۲×۳۶×۲۶ سانتی متری ساخته شده است.

- خشت‌های ۷-۶×۳۰×۲۰ سانتی متری در بخش دیگری از بارو بکار رفته است.

- پرکردگی با شن و ریگ، توده دیگری از ساختار فضای بارو را شکل داده است.

- خشت‌های ۵-۶×۲۶×۲۶ سانتی متری در سطوح فوقانی بارو به کار رفته است.

- ساخته‌های دوران متاخر با خشت‌هایی کوچکتر نیز هر یک نشان دهنده دوره‌ای از مرمت بارو است.

روشن است که بخش‌های پنهان مانده در پس روکش کاهگلی یا نمای فرسوده بنا، هر یک ساختاری متفاوت از بخش نمایان بنا دارند، از این رو است که شناسایی ترکیب توده تشکیل دهنده برج یا بارو و دیگر ساخت و سازهای مربوط به آنها، به لحاظ استحکام بخشی و مقاوم سازی هر موضع آسیب دیده، مستلزم صرف وقت و دقت نظر بیشتری برای شناسایی حد و لبه‌های واقعی مجموعه‌های همگن است، که قاعده شکل‌گیری آن‌ها بستگی دارد به حوادث تاریخی که پشت سر گذاشته‌اند و اصول شکل‌گیری آن‌ها کمتر قابل تخمین نظری است.

نکته شایان توجه دیگری که پس از وقوع زلزله در مقیاس کلان بروز کرده است، آشکار شدن ساخته‌های پنهان مانده کهن است که در نوشته روبرو به شرح مختصر و با عنوان نویافته‌های باستان‌شناسی به آن اشاره خواهد شد. روشن است که با وجود این پدیده‌های نوظهور، رعایت مضمون‌های علمی باستان‌شناسی در برنامه ریزی‌های کوتاه مدت و میان مدت، دراز مدت و در خلال فعالیت‌های حفاظتی و مرمتی ضروری است و علاوه بر آن در برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و شیوه‌های حفاظت از این محوطه تاریخی جای تازه‌ای باز نموده و در تصمیم‌گیری‌های آینده برای پردازش سیمای ارگ بم نقش مؤثری خواهد داشت.

جغرافیای شهر بم:

شهر بم؛ مرکز شهرستان بم، در مشرق استان کرمان و در کناره‌های جنوب غربی کویر لوت جا دارد. موقعیت جغرافیایی آن در عرض شمالی بیست و شش درجه و پنج دقیقه و طول شرقی پنجاه و هشت درجه و بیست و هفت دقیقه و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۶۵ متر ثبت شده است. جمعیت این شهرستان در حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر و وسعت آن به ۱۷۷۵۵ کیلومتر مربع می‌رسد. گسل بزرگ بم در نزدیکی و مشرق آن در راستای شمالی جنوبی و در فاصله دو کیلومتری از شهر بم و در میان دو شهر بروات و بم واقع شده است.

شهرستان بم دارای آب و هوایی گرم و خشک ولی با نسیمی دائمی است. با وجود رشته کوه‌های جبال بارز در جنوب، کوه هزار در مغرب و کوه کیودی در شمال شهر این منطقه دارای منابع آبی سطحی و زیرزمینی غنی است و با وجود رودخانه‌های فصلی پشت رود و بم رود و همچنین رشته قنات‌های قدیمی، سرزمینی حاصل خیز بوده و طی گذشته بسیار طولانی خود از رونق کشاورزی، دامداری و باغداری برخوردار بوده و یکی از مناطق عمده و یکی از پنج شهر مهم استان کرمان به حساب می‌آمده است.

از مراکز فرهنگی و شهرهای پیرامون بم می‌توان از نرماشیر، ریگان، نساء، دارزین و فهرج یاد کرد. علاوه بر این قلعه و روستاهای قدیمی در اطراف بم بسیار بوده‌اند که شبکه‌ای از قلعه‌ها را شکل داده‌اند، قلعه ابارق (اوارک) قلعه پیرماه شاه، قلعه جمالی، قلعه شمس آباد، قلعه کرک و قلعه دارستان، کوشک رحیم آباد، قلعه دختر و بسیاری از تپه‌ها و محوطه‌های تاریخی در پیرامون شهر بم بر جا مانده‌اند.

پیشینه تاریخی ارگ شهر بم:

دانش ما از پیشینه ارگ و شهر بم، به منابع و متون جغرافی نویسان دوران اسلامی محدود است و می‌توان اطلاعات قابل استخراج آثار معماری و لایه‌های باستانی بر جا مانده را بر این مجموعه افزود، این منابع اطلاعات ارزشمندی، دست کم از سده‌های آغازین دوران اسلامی تاکنون را در بردارند ولی زمان برپا شدن نخستین دوره ساختمانی ارگ بم چندان روشن نیست، تاریخ نویسان دوران اسلامی بنیان‌گذاری ارگ بم را با ابهام

داستان‌های اساطیری در آمیخته‌اند، که خود گویای عمقی ناپیدا از کهنگی این بنای تاریخی است. در این جا شایسته است که از متن کارنامه اردشیر بابکان و قصه شگفت‌انگیز پیدایش اژدها که از کرمی در سیب به وجود آمده نیز یاد شود. این داستان جزو باورهای عمومی به شمار آمده و حتی برخی از شهروندان بمی نشانی خانه کرم را در بخشی از حاکم نشین به یاد سپرده و بخش‌هایی از داستان را در انطباق با معماری ارگ توضیح می‌دهند. این داستان را می‌توان حد واسطی در میان افسانه‌های اساطیری و واقعه‌های تاریخی در عرصه‌های ارگ در نظر گرفت که هر یک در جای خود حامل پیامی از گذشته برای آیندگان هستند.^(۱) شهر بم به داشتن مردمی هنرمند و بافته‌های ابریشمی و تولیدات نساجی مشهور بوده و دستار بمی در دیگر سرزمین اسلامی.

بم در داستان‌های اساطیری:

اعتمادالسلطنه محقق قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی) ساختن ارگ بم را به بهمن بن اسفندیار نسبت داده است.^(۲) احمد علی خان وزیری در کتاب جغرافیای کرمان به نقل از کتاب بم نامه نوشته سید طاهرالدین بمی آورده است که چاه آب قلعه بم به حکم حضرت سلیمان حفر شده است، و در جایی دیگر گمان می‌برد که چون کیخسرو (شاه اسطوره‌ای دوره کیانی) پس از تقسیم بلاد ایران در میان امراء خود سیستان و کرمان را به رستم (پهلوان افسانه‌ای شاهنامه فردوسی) داد، رستم حفار و حجار از مصر به بم آورد و چاه فراز ارگ را درون سنگ بستر بنا حفر کرد...

تاریخ کرمان به نقل از حمدالله مستوفی آورده است: بم از اقلیم سوم است طولش از جزایر خالدا صب و عرض آن از خط استوا. گویند که کرم هفتواد در آنجا بترکید بدان سبب آن را بم خواندند. قلعه حصین دارد و هوایش از جیرفت خوشتر است و بگرمی مایل است.^(۳)

هفتان بخت: در مجمل التواریخ و القصص^(۴) آمده که به شهر کجاوران نزدیک دریا، هفتواد و آن کرم که پیدا گشته بود و کارش از خجسته داشتن کرم بدان بزرگی شده تا اردشیر^(۵) به حیل آن کرم بکشت و از آن پس توانست بر هفتواد و پسران او غلبه کند و گویند شهر کرمان را بدان کرم بازخوانند.

بجای هفتان بخت در شاهنامه و تواریخ اسلامی، نام هفتواد آمده و طبری^(۶) نام او را «اپتن بود» گفته و آورده است:..... در سواحل پارس، پادشاهی بنام به نام «اپتن بود» می‌زیست که او را بزرگ داشته و عبادت می‌کردند. اردشیر به قلعه او رفت و او را دو نیم کرد... ملکه و پاسبانان وی را بکشت و گنج‌های بسیار از آن جا به غارت برد.^(۷) که فرزند ساسان منم اردشیر

یکی پند باید مرا دل‌پذیر
چه سازیم با کرم و با هفتواد
که نام و نژادش به گیتی مباد
بکرمان فرستاد چندی سپاه
یکی مرد شایسته تاج و گاه
وزان جایگه شد سوی طیسفون

سر تخت بدخواه کرده نگون
چنین است رسم جهان جهان
همی راز خویش از تو دارد نهان
فسازد تو ناچار با او بساز
که روزی نشیب است و روزی فراز^(۸)

خلاصه داستان هفتواد: (و سرگذشت کرم همراه با بخشی از ترجمه فارسی کارنامه اردشیر بابکان):

در اواخر دوران اشکانی خانواده هفتواد با تنگدستی و

۱- گویند که گردآوری کارنامه با خلاصه آن در قرن ششم میلادی و در زمان خسرو اول انوشیروان انجام گرفته است. به اهتمام دکتر محمد جواد مشکور، کارنامه اردشیر بابکان. ص ۱۶.

۲- «گویند از بناهای بهمن این اسفندیار است... مرآت البلدان، ۱۲۹۴ هجری ق.

۳- حمد الله مستوفی (سال ۷۴۰ هجری ق. یا ۱۳۴۰ م.) نزهةالقلوب به نقل از تاریخ کرمان آورده است: ص. ۱۴۰

۴- کتاب مجمل التواریخ و القصص در سال ۵۲۰ هجری ق. تألیف شده است.
۵- اردشیر بابکان موسس حکومت ساسانی بود که در نیمه قرن سوم میلادی از سلطنت کناره گرفت و پسرش شاپور را شاهی داد.

۶- (۲۵۵-۳۱۰ هجری ق. یا ۸۳۹-۹۲۳ م.) ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری؛

۷- به نقل از دکتر محمد جواد مشکور، کارنامه اردشیر بابکان. ص ۲۳۶.

۸- برای آگاهی بیشتر از «داستان هفتواد» و سرگذشت کرم» نگاه کنید به شاهنامه فردوسی

درآمدی اندک از نخ ریسی، در شهر کجاران بسر می‌بردند. هفتواد هفت پسر و یک دختر داشت، روزی دخترک کرمی را درون سیب یافت و آن را درون دوکدان نخریسی خود پنهان کرد. از آن پس کار نخریسی‌اش رونقی روزافزون یافت تا این که راز کرم را با پدر در میان گذاشت. پس از چندی، کار و بار خانواده هفتواد چندان بالا گرفت که حاکم شهر طمع در مال ایشان بست و مالیاتی سنگین بر ثروت او بست. هفتواد به دلگرمی پسران و پشتیبانی همشهریانش بر حاکم پیروز گردید. هفتواد بر بالای پشته‌ای سنگی برای استقرار کرم که هر روز بزرگتر می‌شده خانه‌ای در کنار حاکم نشین شهر بر پا داشت که به کد کرم معروف شد. اردشیر پس از روی کار آمدن در اندیشه کار هفتواد شد و در نخستین رزم با وی شکست خورد و ناگزیر به چاره اندیشی پرداخت و با حيله به درون کد کرم وارد شد.

- پس اردشیر گفت که ایدون بهتر می‌نماید که سه روز خوراک کرم را بدست خودم دهم.

-... و چون کرم دهان خود را باز کرد که خون خورد، اردشیر روی گذاخته به کام وی ریخت.

- چون روی به تن کرم رسید به دو (پاره بشکافت) و بانگی چنان از وی برآمد که مردمان اندر دژ همه بدانجا آمدند و آشوب اندر دژ افتاد.

- اردشیر آن دژ را کندن و ویران کردن فرمود و آن جا روستایی که گذران خوانند بر پای کرد^(۱)

ارگ و شهر بم در قرون اولیه دوران اسلامی:

در کتاب‌های تاریخی دوران اسلامی تلفظ واژه «بم» را با فتخه روی باء و تشدید میم نوشته‌اند. و برخی بر این باور هستند که این نام بر گرفته از صدای مهیب انفجار کرم باشد. گزارش‌های جغرافی نویسان قرون اولیه اسلامی از آن رو شایسته توجه است که پیامهایی تاریخی از حضور بسیاری از عناصر شهری و عرصه‌های معماری و برخی ویژگی‌های ارگ و شهر بم، دیوار شهر بست، مسجد جامع‌های سه‌گانه، بازار و چهار دروازه شهر و نام آنها می‌توان دریافت نمود و این خود موجب اطمینان خاطر بیشتری از هویت آثار و تخمین قدمت بناهای موجود می‌گردد.

بلانری مورخ قرن سوم هجری، فتح بم را در آغاز دوران اسلامی توسط مجاشع بن مسعود سلمی گزارش کرده است، این

واقعه تا حدودی همزمان با گریختن یزدگرد (شاه ساسانی) به خراسان بود که بنا بر روایت تاریخ طبری در سال سی ام هجری (۶۵۰ م.) اتفاق افتاده است، شایان ذکر است که پیش از وی ابوموسی اشعری، ربیع بن زیاد را به فتح حوالی شیرجان (سیرجان) فرستاده بود، وی بم را فتح کرد، ولی اهل آن دیار پیمان شکنی کرده و شوریده بودند.

شهر بم در قرون اولیه دوران اسلامی یکی از پنج شهر مهم استان کرمان شمرده شده است. مقدسی شهر بم را (در نیمه قرن چهارم هجری ق.) یکی از خوره‌ها و ناحیت‌های سرزمین کرمان یاد کرده و زیر عنوان «فهرست شهرها» آورده است. «این سرزمین پنج خوره و ناحیت است. نخستین آن‌ها از سوی فارس بردسیر (یا گواشیر)، سپس نرماشیر سپس سیرجان، سپس بم، سپس جیرفت می‌باشد»^(۲). در این زمان اهمیت و شهرت بم تا آن جا بود که در دیگر شهرهای کرمان یکی از عناصر عمده شهر همچون دروازه یا خیابان را به نام بم می‌خواندند. از جمله در شرح دروازه‌های چهارگانه دژ قصبه مهم نرماشیر آمده است: «بر دروازه بم سه دژ هست که خواهران نامیده می‌شود»^(۳). نام یکی از هشت کوچه اصلی قصبه مرکزی کرمان نیز با نام بم نام گذاری شده بود، «بیشتر باغ‌ها در سمت بم است»^(۴) شهر جیرفت که به خوش‌ترین قصبه کرمان و مرکز میوه باغچه‌ها و گردشگاه‌ها و گرمابه‌های پاکیزه و دیگر محصولات گوناگون مشهور بوده، یکی از چهار دروازه دژ آن، بم نام داشت و جامع آن در نزدیکی دروازه بم بوده است.

گزارش نیمه دوم قرن چهارم هجری حاکی از آن است که بم شهری است با هوایی تندرست، و اندر شهرستان وی حصار است محکم و از جیرفت مهترست و اندر وی سه مزکت جامع است، یکی خوارج را و یکی مسلمانانرا، و یکی اندر حصار و از وی

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به ترجمه فارسی کارنامه اردشیر بابکان، باهتمام دکتر محمد جواد مشکور از انتشارات دنیای کتاب ص. ۱۷۵-۲۱۸، چاپ سال ۱۳۶۹.

۲- ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علی‌نقی منزوی، چاپ اول ۱۳۶۱ شرکت مؤلفان و مترجمان ایران. ص. ۶۸۱

۳- همان جا، ص. ۶۸۵. ۴- همان جا، ص. ۶۸۶.

کرباس عامه (شاید، عمامه) و دستار بمی و خرما خیزد.^(۱)
در بم خارجیان سرصدا و جامعی جداگانه دارند که صندوق
دارایی ایشان در آنجاست.^(۲)

بم: قصبه‌ای مهم بزرگ و خوبست، مردم هنرمند، ماهر،
بازرگانان آگاهند. پارچه هایش زیانزد جهانیان و خود در
سرزمین‌های اسلامی نامبردار و فخر آور است. ولی توده مردم
جولاه‌اند، آبش شیرینی ندارد و هوایش خوب نیست. دژی بر آن
است که چهار دروازه دارد؛ نرماسیر، کوسکان، اسپیکان،
کورجین. در میان قصبه دژی هست که یک جامع و چند بازار در
آن است و دیگر بازارها در بیرون است. در کنار شهر نه‌ری
روانست که از محله بزازان، شهر را می‌شکافد و به دژ وارد شده
از آن جا به باغها می‌رود. ساختمان‌ها با گل چسبان خوب است. از
بازارهایش یکی بازار پل گرگان است. بیشتر از کاریز می‌آشامند.
از بهترین گرمابه‌های بنام آن گرمابه کوچه بید است. کوه کود در
یک فرسنگی است. آسیاهایشان بر آبی نزدیک آنست، دیهی
بزرگ نزدیک آنست که بیشتر پارچه‌ها را در آن می‌بافند.^(۳)

مقدسی وضع فاصله راه‌های میان شهری بم را به دیگر
شهرهای مهم آن زمان چنین بر شمرده است «از سیرجان گرفته
تا شامات یک مرحله، سپس تا بهار یک مرحله، سپس تا خناب یک
مرحله، سپس تا غیرا یک مرحله، سپس تا کوغن یک فرسنگ^(۴)،
سپس تا رابین یک مرحله سپس تا سروستان یک مرحله سپس تا
دارجین یک مرحله، سپس تا بم یک مرحله است».

بم از اقلیم سوم است طولش از جزایر خالادات صب و
عرض از خط استوا ل ح ک. گویند که کرم هفتواد در آنجا بترکید
بدان سبب آن را بم خواندند. قلعه حصین دارد و هوایش از
جیرفت خوشتر است و بگرمی مایل است.^(۵)

شهر بم در دوره گورکانی:

به هنگام سلطنت امیر تیمور گورکانی، پسر بزرگش
سلطان اویس گورکانی به حکومت کرمان رسید (در اوایل قرن
نهم هجری قمری - قرن پانزدهم میلادی) «میرزا ابابکر به ارگ بم
وارد شد و بلوکات حول و حوش را آن را متصرف گردید،
کوتوالی که از جانب سلطان اویس در ارگ بم بود به قلعه داری
مشغول شد و پس از رسل و رسائل تطمیع شده، ارگ را به
گماشتگان شاهزاده تسلیم کرد».^(۶)

امیرزاده ابابکر در نیم شب از طرف سیستان به بیرون
شهر بم فرود آمد و بند دروازه‌ها را بریدند و به شهر داخل شد. او
در فکر آن بود که قلعه بم را تعمیر کند و از شمس الدین ابراهیم در
این مورد مشورت کرد و می‌خواست مردم را به بیگار بگمارد،
شمس الدین نپذیرفت و گفت فصل تخم کار و زراعت بندی است و
ابابکر هم پذیرفت. بیست روز پس از آمدن ابابکر خبر رسیدن
لشکر کرمان رسید، در خارج از شهر دو اردو مقابل هم آمدند (در
۴ رجب سال ۸۱۱ هـ ق برابر با ۲۴ نوامبر ۱۴۰۸ م.)^(۷) امیر پیرک
سردار سلطان اویس کشته شد.

مجملاً، این خبر به گوش سلطان اویس رسید، با جنودی
آراسته روانه بم شد و در حوالی دارزین جنگ در گرفت و میرزا
ابابکر که شجاعی معروف و متهوری به جلادت موصوف بود،
سلطان اویس را شکست داد و اویس به کرمان بازگشت و میرزا
ابابکر به قریه موسوم به سراستان که نیم فرسخی شهر بم بود
متوقف گردید. سلطان اویس جمعیتی فراهم آورد و به صوب بم
روان شد. میرزا ابابکر نیز از بم بیرون آمد و در قریه تهرود از
قراء رابین به یکدیگر نزدیک شدند. پس از کوشش و کشش، سپاه
سلطان اویس شکست خورده و به شهر کرمان مراجعت کردند.
سپاه شاهزاده سکنه و ایلات بلوک رابین را رانده و به صوب بم
روان گردید چون بدانجا رسید از متمولان بم و نرماشیر به اندازه
حرکات و خیالات آن‌ها جریمه و مصادره نمود و رعایا را به
تحمیلات بی اندازه مبتلا کرد.^(۸)

هنگامی که میرزا ابابکر به بم آمد، لشکر از هر طرف بر او
گرد آمدند و او را ترغیب کردند بر عمارت قلعه بم، چنان که حکم
کردند که خلق بروند بنیاد عمارت کنند و خانه‌ها را به اندرون قلعه

۱- حدودالعالم برجا مانده از سال ۳۷۲ هجری ق. ص. ۱۲۸

۲- ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم،
ترجمه دکتر علینقی منزوی، چاپ اول ۱۳۶۱ شرکت مؤلفان و مترجمان ایران،
ص. ۶۹۲

۳- همان جا ص. ۶۸۷. ۴- همان جا، ص. ۶۹۸

۵- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به حمدالله مستوفی (۷۴۰ هجری ق. یا ۱۳۴۰
م) ص. ۱۴۰، نزهةالقلوب به نقل از تاریخ کرمان.

۶- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به؛ احمد خان علی وزیر؛ تاریخ کرمان؛
تصحیح و تحشیه دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریز؛ ص. ۵۶۴-۵۶۵.

۷- نگاه کنید به همانجا، به نقل از حبیب السیر در پانویس ص. ۵۶۵

۸- همان جا، خلاصه شده نقل قول سید طاهرالدین بمی در کتاب بنامه.

برند و مرد حشر به و در آن عمارت کار در آورند و در آن عمارت اذیت مردم می‌رسید و در آن هیچ نفع نبود.^(۱)

بم در کرمان آخرین محلی بود که توانست ملجا و پناهگاه نماینده خان زند که برای مدتی کوتاه بر ایران حکومت می‌کردند، باشد. سلسله زند زمام قدرت را در گیرودار ضعف و سستی آخرین نماینده منحن سلسله کوتاه مدتی که توسط نادر شاه ایجاد شده بود بچنگ آورده بودند. لطفعلی واپسین پادشاه زند که هوا خواهان بسیار زیادی در میان ایلات بلوچ کرمان داشت و زمانی که می‌کوشید از بم فرار کند ضمن خیانتی که نسبت به وی گردید گرفتار و بدست مرگ نهاده شد. (حدود سال ۱۷۰۵ م.)

لطفعلی خان در قلعه بم توسط نیروهای رئیس قاجار محاصره گردید و پس از تحویل و تسلیم قلعه بدشمن تلافی بر سر مردم خالی گردید و انتقام و وحشتناکی از نفوس سرزمین محصور گرفته شد. ایالت کرمان دیگر قابلیت سکونتی خود را بویژه برای آن‌ها که قضیه‌ای که باخت در آن حتمی بنظر می‌رسید جانبداری کرده بودند، (چنانکه بلوچها کرده بودند) از دست داد. بنابراین کوچ ایلات و چادر نشینان بلوچ سیستان باید مدتی کوتاه پیش از آن زمان که کریستی از میان آن سرزمین عبور کرد رخ داده باشد. در این ناحیه طرفداران لطف علی خان مأمون و پناهگاهی برای حفظ جان یافتند، زیرا که سیستان قسمتی از قلمرو تحت سلطه پادشاهان افغان بشمار می‌رفت، و از این روی خارج از میدان هرگونه تعقیب و آزار سپاهیان ظفرمند سرکرده قاجار قرار می‌گرفت چونکه عملیات وسیع و درخشان احمد شاه درانی هنوز سایه و هاله‌ای فریبنده بر سر جاننشینان فاسد او انداخته بود.

در سنه ۱۲۵۳ هجری قمری، که آقاخان محلاتی حکمران کرمان از ایالت معزول گردید، به خیال باطل این قلعه را مأمون نموده بنای فتنه و تاخت و تاز را در محال کرمان گذاشت، عاقبت در آنجا محصور شده امتداد محاصره از یک سال متجاوز شد که مشروح آن در تاریخ مشهور می‌گردد. از آن زمان به بعد سکنه شهر بم در خارج شهر به فاصله دو هزار گام چند قریه بیکدیگر متصل بود ساکن هستند و شهر بم اکنون حصار و خانه‌ها و چهار سوقش معمور است، لیکن جز دو دسته عراده توپ با عمله آن و تقریباً ۵۰ سوار که حسب الامر ایالت کرمان به محافظت آن قلعه مامورند، کسی دیگر در ارگ منزل ندارد. مردمش در خارج شهر

به فاصله مزبور آبادانی‌ها کردند و این زمان در کمال آبادی و معموریت است و عمارات عالیه بنا کرده‌اند. شش حمام دارد، از آن جمله حمامی که مرحوم وکیل الملک ساخته که احجار آن مرمر است مساجد متعدده دارد. مسجدی نیز آن مرحوم بنا فرمود و مدرسه جد سادات مشهور به سادات محکمه در آنجا ساخته معمور است و موقوفات دارد.

از همه نوع حرفه در آن جا می‌باشد، بازاری طویل مرحوم وکیل ساخته که همه نوع کسبه در آنجا به کسب مشغولند. بازاری هم حاجی سید علی خان بنا کرده که آبادان است. مزار امام زاده‌ای در آن جا است که او را از نتاج حسن مثنی پسر حضرت امام حسن (ع) دانند. در صحن آن امام زاده نیز بعضی از تجار یزدی و هرنندی و غیره منزل دارند و به تجارت اشتغال می‌ورزند. تجار آن جا قماش ابریشم و پنبه و ظروف مس و ولایتی و بلور و قند و چای و ادویه می‌فروشند و حنا و رنگ و نرماشیر و روغن و پنبه و برنج و غله و کرباس می‌خرند. مسجدی هم عبدالله عامر در زمان خلافت عثمان بن عفان ساخته که اکنون معمور و به مسجد حضرت رسول (ع) مشهور است. عمارات عالیه در بم بسیار است، خصوص عماراتی که ابراهیم خان سرتیپ و اقارب او در این زمان ساخته‌اند.^(۲)

ارگ بم:

ساختمان ارگ بم در شکل توسعه یافته‌اش از دو بخش مردم نشین و حاکم نشین تشکیل شده و دسترسی به این مجموعه تنها از دروازه جنوبی مردم نشین است، هر چند که دروازه دومی که در حصار شمالی مردم نشین جاسازی شده به مردم نشین راه پیدا می‌کند و در میان باروهای دیگر بخش‌های حاکم نشین دروازه‌های آن‌ها را به هم می‌پیوندد.

باروی شمالی ارگ بم به اندک فاصله‌ای از رودخانه پشت رود است که برج و باروی دیوار شهر بست در کناره آن برپا شده است. از این رو شایسته است که فضای میان دو باروی جبهه شمالی ارگ را جزو عرصه‌های نظامی و پیوسته به ارگ به شمار آورد.

۱- همان جا به نقل از ص. ۱۷۹ مقامات در بانویس ص. ۵۹۶ تاریخ کرمان.

۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به جغرافیای مملکت کرمان ص. ۹۴ و ۹۵

دروازه اسپیکان در حوزه غربی باروی شمالی شهر بست و در نزدیکی گوشه شمالغربی ارگ است و دروازه اسپیکان و برج و باروی حوزه شرقی این دروازه را حد غربی عرصه پیوسته به ارگ بم در نظر گرفت. نکته شایان توجه این است که در بخش جنوب غربی دروازه اسپیکان و در فضای درونی متصل به باروی غربی دروازه، در سال ۱۳۷۲ (ده سال پیش) بنای دو طبقه پخشاب ارگ بم از زیر غبار اعصار و قرون بیرون شد و با ردگیری راستای خندق غربی ارگ تا جای شترگلی خندق غربی، نظام آبرسانی به درون ارگ بم شناسایی شد.

حاکم نشین:

بخش حاکم نشین بر فراز قله صخره و در شمال ارگ جا دارد و متشکل از بناهایی است، همچون: برج اصلی (که آن را برج دیده بانی می‌پندارند و شاید هم جایی برای پرتو افشانی بوده است)، ساختمان سه طبقه چهار فصل، خانه حاکم (و زیر زمین‌های آن که به نام زندان مشهور شده است)، چاه آب، حمام، خانه رئیس سربازخانه (ساختمان معروف به آسیاب بادی)، سربازخانه، دروازه مسدود شده (ساسانی)، برج و بارو و دروازه دوم این مجموعه را شامل می‌شود. گفتنی است که جز بنای آسیاب بادی، دیگر بخش‌های حاکم نشین بر باروهای سنگی با بلندی نزدیک به هفت متر استوار شده است که در زیر روکش کاه‌گلی پنهان مانده است، چنین به نظر می‌رسد که در لایه‌های مانده در محدوده باروی سنگی به ویژه در سطوح زیرین آن کهنه‌ترین بخش حاکم نشین باشد. در بخش شرقی حاکم نشین دروازه مسدود شده‌ای است که آن را کد کرم (خانه کرم) خوانده‌اند و وجود این پدیده را سندی بر جا مانده از داستان هفتواد تلقی نموده‌اند.

محل‌های مردم نشین:

بخش مردم نشین یا عامه نشین با حصاری بلند در راستای شرقی غربی از بخش حاکم نشین جدا شده و دسترسی این دو بخش به یکدیگر از راه دروازه حصار دوم است که از شمال بنای میرآخور به سربازخانه حاکم نشین می‌رسد. بخش مردم نشین را به دوره‌ای از گسترش ارگ نسبت داده‌اند، با این حال این دو بخش در میان باروی حصینی با ۴۸ برج بزرگ و

کوچک جای دارد که یکپارچه به نظر می‌رسد و تنها دروازه هر دو بخش حاکم نشین و مردم نشین در میان باروی جنوبی مردم نشین جاسازی شده است.

دروازه اصلی تنها راه دسترسی به فضای ارگ است و در حوزه غربی باروی جنوبی ارگ و در میان چهار برج سوم تا ششم از گوشه جنوب غربی جاسازی شده است و دسترسی به آن با گذشتن از روی پلی که بر روی خندق جنوبی برپا شده میسر است. در پشت دروازه ورودی هشتی ورودی در میان چهار برج استوانه‌ای (متماثل به شکل مخروطی ناقص) جاسازی شده است به طوری که دو برج جنوبی از راستای باروی جنوبی بیرون مانده و دو برج شمالی فضای هشتی، در راستای باروی جنوبی و در دو طرف آستانه ورودی ارگ برپا است و با گذشتن از پهنای هفت متری باروی جنوبی، به راسته بازار اصلی ارگ می‌رسد. بازار در راستای شمالی جنوبی تا محل میدان تکیه امتداد دارد. ادامه راه با گذشتن از کنار باروی شرقی اصطبل دروازه حصار دوم می‌رسد. پس از گذر از دروازه دوم با ورودی اصطبل (که برای رفت و آمد چارپایان راه شیب داری جاسازی شده است)، می‌توان به دروازه سوم و ورودی حاکم نشین نزدیک شد که از میان حیاط سربازخانه راه دارد.

تا به هنگام شناسایی دقیق عرصه‌های فضای مردم نشین، می‌توان بخش‌های شناسایی شده آن را چنین در نظر گرفت: محله کناری‌ها که در گوشه شمال غربی مردم نشین و مشرف به حاکم نشین و در سمت غربی آن است. این محله با بارویی قطور از دیگر بخش‌های مردم نشین جدا بوده و راه دسترسی به آن از گذرگاه با یکی از کنار برج آسیاب بادی است. در شمال این محوطه و در گوشه شمال غربی مردم نشین، محله کناری‌ها با حصار شرقی غربی در راستای برج آسیاب بادی از دیگر بخش‌های مردم نشین جدا شده است. ساخت و سازها و معماری اماکن این محله بسیار فقیرانه و کوچک به نظر می‌رسد، با این حال طراحی جزییات معماری در آن اندیشمندانه و با ارزش است که خود جای تحقیق دارد. در جنوب این محله و در نزدیکی فضای غربی برج گوشه (جنوب غربی) ساختمان اصطبل، بنایی دو طبقه است که برخی از آن به عنوان کاروانسرا یاد می‌کنند و برخی به لحاظ این که در آن یادداشت‌هایی به خط عربی دیده شده، این بنا را مدرسه می‌پندارند. محله یهودی‌ها در میان ارگ و با فاصله‌ای

نه چندان زیاد در جنوب باروی حاکم نشین جا دارد، محله روغنگرها در جنوب محله یهودی‌ها و مشرف به میدان تکیه است، میدان تکیه مشرف به بنای چهارسوق بازار است، میرزاخانه (مجموعه مدرسه میرزا نعیم و خانه‌های سکونتی همراه با اصطبل اختصاصی)، میدان بارفروشی در مشرق بخش میانی مردم نشین جا دارد، و فضای بخش جنوبی آن شامل: دروازه ورودی، بنای سردروازه، راسته بازار، مسجد جامع، بنای زورخانه (مقبره)، ساباط و خانه جهودا، میدان تکیه، مسجد پیامیر، حمام، مدرسه (خانقاه)، اصطبل، بنای میرآخور و محله‌های مسکونی است.

در سال ۱۲۵۷ تا ۱۲۵۹ آخرین تعمیرات ارگ بم پیش از متروک شدن آن صورت گرفت. بخش‌هایی از ارگ بم که بر اثر درگیری ارتش با آقاخان محلاتی آسیب دیده بود، مقارن با حکومت عباسقلی خان جوانشیر تعمیر گردید و چاه ارگ نیز لایروبی شد.

ارگ بم در دوران حکومت پهلوی اول:

ابتدا ژاندارمری در آن مستقر شد و به هر صورت که بود مورد بهره‌برداری و حفاظت قرار داشت و کمتر دچار آسیب‌های انسانی بود، پس از تبعید رضا شاه در سال ۱۳۲۰ از (۱۹۴۱ م.) تا سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱ م.) محوطه ارگ کاملاً متروک ماند و در همین سال‌ها بیشترین ویرانی در آن صورت پذیرفت و برای بهره‌برداری از خاک آوار آن به عنوان کود کشتزارها و باغ‌ها، برخی از خانه‌ها مورد تخریب قرار گرفت. حتی بلدییه (شهرداری وقت) به فروش خاک و آوار بناهای ارگ بم اقدام می‌نمود و بابت هر بار از خاک خانه‌ها مبلغی دریافت می‌کرد.

پیشینه مرمت‌های جدید در ارگ بم:

نخستین تعمیر ارگ در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۳ م.) به وسیله اداره کل باستان‌شناسی با کمک آموزش و پرورش کرمان در ساختمان چهار فصل و برج اصلی دیده بانی صورت پذیرفت. ارگ بم در سال ۱۳۴۵ با شماره ۵۱۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۲ م.) تحت حمایت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران قرار گرفت. تعمیرات ارگ از سال ۱۳۵۱ آغاز شد و همه ساله اعتباری برای مرمت آن اختصاص

داده شد که با توجه به وسعت ارگ، تنها حفاظت و تعمیر بخش کوچکی از آن را کفایت می‌کرد.

از سال ۱۳۷۲ (۱۹۸۳ م.) ارگ بم در شمار پروژه‌های بزرگ سازمان میراث فرهنگی کشور قرار گرفت و امکان اجرای برنامه‌های پژوهشی و همچنین تدارک طرح‌های مرمتی، ساماندهی و معرفی ارگ فراهم آمد.

بخش‌هایی از برنامه‌های پیش‌بینی شده برای خواناسازی و ساماندهی ارگ بم:

- قابل مراجعه نمودن فضای درونی ارگ برای عموم بازدیدکنندگان، پژوهشگران، دانش پژوهان.

- خواناسازی لبه‌های اصلی خطوط معماری و فضای عمومی توده بزرگ خشتی ارگ.

- شناسایی عرصه‌های معماری بخش مردم نشین.

- شناسایی گذرها و کف اصلی آخرین دوره زندگی در هر یک.

- شناسایی ساختار برج و باروی پیرامونی بخش مردم نشین.

- تدوین برنامه بهره‌برداری فرهنگی از عرصه‌های بیرونی و درونی ارگ بم.

- شناسایی اولویت‌های مرمتی و رفع آسیب از مواضع خطرناک در جهت پاسخگویی به کارایی بخش‌های قابل مرمت.

- نقشه برداری عمومی از واحدهای معماری خوانا شده درون و بیرون برج و باروی ارگ.

- شناسایی سیمای آخرین دوره زندگی در هر یک از بخش‌های موجود ارگ بم.

- تهیه طرح‌های، حفاظت، مرمت و بازسازی بخش‌های منتخب، طبع طرح اولویت‌های مرمتی و با رعایت طرح معماری اصیل بنا

بر حسب مدارک و اسناد تصویری، مکتوب، همچنین وضع موجود بنا یا دست کم با توجه به ویژگی‌های معماری دیگر

بناهای اصیل مشابه با بنای در دست تعمیر.

- اجرای طرح‌های ساماندهی، مرمت و بازسازی مصوب.

مرمت بنای فوقانی سردروازه ورودی برای دفتر کارگاه و برخی اسکان موقت کارشناسان و مرمتگران غیر بومی از

نخستین اقدامات تعمیراتی معاصر ارگ بم بود که به موقع اجرا گذاشته شد. در جهت خواناسازی و باززنده سازی گذرهای

اصلی، میزان آواربرداری از کف گذرها تا حد شناسایی بالاترین

کف و شناسایی بخش هایی از کف گذر که در گوشه های آن بر جا مانده بود اکتفا گردید و با تأکید بر پرهیز از بازشناسی لایه های زیرین کف عملیات مرمتی با تکمیل سنگفرش کوچه آغاز شد بازسازی ارتفاعی بدنه گذرها تا حدی که نشان دهنده فضای گذر باشد (حد اکثر تا ارتفاع هشتاد سانتی متر) در نظر گرفته شد. گام بعدی تهیه و اجرای طرح بازسازی عمارت شمالی اصطبل بود که به منظور اسکان کارشناسان و مرمت گران ارگ بم هم صورت پذیرفت.

با تصمیمی که در سال ۱۳۷۲ برای برگزاری نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران در سال ۱۳۷۴ در ارگ بم گرفته شد، طرح بازسازی و بهره برداری از بخش هایی از بناهای عمومی مردم نشین و دیگر بناهای بیرون از بارو در برنامه کار مرمت گران ارگ بم قرار گرفت. در این راستا مرمت، بازسازی و بهره برداری متناسب با شئون تاریخی فرهنگی بنا در برنامه کار قرار گرفت که اهم آن عبارتند از: اصطبل و آب انبار میان آن، میدان تکیه و بناهای مشرف به آن، خانه سیستانی ها، بخش قاجازی مسجد جامع، مجموعه میرزا نعیم، کاروانسرا (مدرسه یا خانقاه)، ساختمان یخدان و دیوار یخ چاویون و احداث دیگر ایستگاه های خدماتی در نقاط پیش بینی شده در طرح. این طرح به موقع اجرا گذاشته شده و با استقبالی که از آن به عمل آمد علاوه بر برگزاری دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران در سال ۱۳۷۸، گردهم آیی های مردم شناسی و برخی همایش های کرمان شناسی نیز در بناهای بازسازی شده در ارگ بم برگزار گردید.

پیشینه آب رسانی ارگ بم:

چاه آب فراز حاکم نشین و لایروبی آن بارها مورد شرح جغرافی نویسان؛ و شاخصی برای حوادث تاریخی بوده است جز آن نشانه هایی از حضور رسوبات آب در برخی از حفره های جاسازی شده در کنج جنوب غربی باروی مردم نشین دیده شده بود که برای شناخت نظام آب رسانی به ارگ چندان گویا و روشن نبود.

در هنگام بررسی طرح بازسازی بنای اصطبل و حیاط آن که آب انباری در میان حیاط آن برپا است، وجود تنبوشه آب رسانی در بخش غربی جبهه جنوبی مخزن این آب انبار،

جستجوی محل و منبع تغذیه تنبوشه را به دنبال داشت. هم زمانی توجه به دروازه اسپیکان در میان جبهه شمالی دیوار شهر بست و نزدیکی گوشه شمال غربی ارگ، و کاوش در سطوح زیرین بخش جنوبی آن، پرده از راز آب رسانی ارگ برداشت. در کاوش های بخش جنوبی دروازه، بنایی دو اشکوبه ای شناسایی گردید که در بخش زیرین آن آثار ورودی قنات و پخشاب در میان آن برجا مانده بود. آب قنات از طریق تنبوشه ای که در راستای شمال به جنوب از نزدیکی خندق غربی کار گذاشته شده بود، و در نزدیکی برج مشرف به برج گوشه غربی، از طریق بنایی که شتر گلو خوانده می شود و در میان خندق جاسازی شده بود به دوره محصوره مردم نشین راه داشته؛ و پس از آب رسانی به گرمابه ای که در نزدیکی شتر گلو قرار داشت و بعدها مورد کاوش قرار گرفت، پس از عبور از گذر مقابل مسجد کوچک غربی تکیه، به راستای تنبوشه آب انبار اصطبل می رسیده است. بجز این آب رسانی، به آب انبار شمال تکیه نیز احتمالاً از همین طریق صورت می گرفته است.

زلزله دی ماه سال ۱۳۸۲:

اولین نگاهت زلزله پنجم دی ماه شهر بم، مؤلفه قائم بسیار شدیدی را نشان می دهد که میزان آن به یک جی (G) میرسد و مؤلفه عمود بر گسل بسیار قوی نیز داشته است. اثر جهت پذیری بسیار قوی بوده و حمله جبهه گسیختگی نیز به سمت سطح زمین بستر بم بوده است. در زمین لرزه هم حرکات بالا و پائین بوده و هم حرکات جانبی داشته است. با این ترتیب ساختمان ها هم به بالا و پائین پرتاب شده و هم حرکات جانبی به آن وارد آمده است.

پهنه هم شدت در ابارق (در راستای شمال غربی بم) پنج؛ و در نرمایشیر (در راستای جنوب شرقی بم) شش بوده است که مؤلفه بسیار شدیدی را نشان می دهد. در محور شهر بم به سمت فرودگاه خسارت ناشی از زلزله بسیار کم و ناچیز بوده است. در باریکه ای محدود و تنها در بستر شهر بم آسیب به بناها شدید است. گسل سروستان در جاده جیرفت که در نزدیکی بم است نیز باید مورد توجه قرار گیرد این منطقه فعال است و قطعه جنوبی آن نیز منطقه سبزواران است.

معلوم نیست زلزله پیشین در بم، در چه زمانی بروز کرده

است و دوره بازگشت آن چه بوده است در صورتی که زمان آن را بشناسیم، می‌توان دوره بازگشت آن را پهنه بندی کرد. (در هنگام بررسی همجواری لایه هائی که درون جسم ارگ برجا مانده، شاید بتوان نشانه‌های زمین لرزه را شناسایی نمود و دوره وقوع زلزله‌های پیشین را تخمین زد م.م.).

گسیختگی سطحی در میان بروات و بم زیاد است و پله‌ای ده متری ایجاد شده است. این اتفاق پیش از این‌ها روی داده است ولی زمان آن روشن نیست. در راستای فرعی جغرافیایی شکل‌هایی در سطح زمین (فیجر) پدید آمده است. فرو چاله‌های قدیمی در کنار این پله قدیمی بروات دیده می‌شود. در بلوار شهید رجایی بروات نیز فرو چاله‌هایی پدید آمده است. این فرو چاله‌ها ممکن است مربوط به چاه‌های قنات قدیمی باشند که با فرو ریختن لایه‌های زیرزمین، شاید که چاه‌های قنات نیز فرو ریخته باشند. شهر کرمان مرکز استان است و در کنار گسل کوه بنان جا دارد. برای آینده هم پس از پهنه بندی و پرهیز از گسلها در جبرفت بیرجند، گناباد، بیدخت، بجستان، در خراسان و کرمان و تبریز هم ممکن است صورت پذیرد.

بزرگ نمای ۲/۶ در عمق هشت کیلومتری و جهت پذیری در جبهه گسیختگی در جهت شهر بم، دو مؤلفه عمود بر هم و عمود بر گسل با میزان خرابی حداکثر؛ در حدود ۹ با مقیاس (e.n.s) که واحد اندازه زلزله رایج در اروپا است، و بلافاصله کم می‌شود تا در کرمان به ۴-۵ می‌رسد؛ طولی که در جمع‌بندی دیده می‌شود، ده کیلومتر است.

- بنای خشتی با پوشش گندبی؛ در برابر زمین لرزه عملکرد آن‌ها به لحاظ پایداری شکل آن‌ها است و با این که آسیب دیده فرو نریخته است.

- بنای خشتی با پوشش طاق آهنگ (رومی گفته شد)، در محل تغییر قوس رانش داشته و در آن دسته از بناها با پوشش استوانه‌ای که میل مهار داشته‌اند با این که ترک برداشته‌اند، تنها اسپرهای که از بنا جدا بوده، فرو ریخته است.

- بناهایی که با ماسه سیمان برپا شده‌اند از بناهای خشت و گلی بهتر مانده‌اند.

- هفت الی هشت بنای بتنی که در شهر بوده‌اند خوب کار کرده‌اند. - مدرسه ساخته شده در سال ۱۳۱۵ با این که از مصالح آجری بنایی شده، خوب مانده است.

- دیوارهای دست اندازهای پشت بام با آسیب و خطر بیشتری روبرو هستند.

- دیوارهایی که بر رویشان بار سقف است و فاقد کلاف هستند تخریب شده‌اند.

- دیوارهایی که بر روی آن‌ها باری نیست، اگر کلاف نشده باشند آسیب دیده‌اند.

- خرپشته‌ها خطرناک و آسیب‌پذیر هستند.

- بناهایی که کلاف‌های عمودی و افقی داشته و اتصالات آن‌ها درست کار شده مقاوم هستند.

- بنا باید یکپارچه ساخته شود و هرگونه یکپارچگی بنا موجب دفع آسیب از بنا است.

- ساختمان‌های عمومی، ادارات همچون آتش نشانی، شهرداری و غیره تخریب شده‌اند. در هنگام بروز زلزله لازم است شریان‌های اصلی همچون لوله‌های آب، لوله کشی و تأسیسات برق، تلفن و گاز، شبکه‌های ارتباطی و پلها و سدها مورد توجه قرار گیرند.

- برای نجات انسان‌ها سقف‌ها نباید پائین بیایند.

- آسیب همه مصدومین از فرو افتادن سقف و دیوار نیست بلکه در صد زیادی در حدود پنجاه درصد و بیشتر به علت خفگی است که عوارض آن حتی یکی دو سه ساعت پس از نجات از زیر آوار به شدت می‌رسد و یا برخی به علل خاص بیولوژیکی دچار صدمات کلیوی می‌شوند که در هنگام نجات از زیر آوار کسی متوجه آن نیست.

- یخچال‌های قهرمان و یا کتابخانه قهرمان، عنوانی است که به برخی از آن وسائل داده شده است که سقف در هنگام فرو افتادن به آن‌ها گیر کرده و با ایجاد فضای خالی در زیر سقف جان کسانی حفظ شده است.

آسیب‌های زلزله در ارگ بم:

زمان وقوع زمین لرزه پیش از آغاز مراجعه به ارگ بم و بازدید از آن بود و به همین لحاظ دو نفر نگهبان ارگ در اطاق ویژه خود بودند و هنوز کار روزانه شروع نشده بود که با متلاشی شدن بنای سر دروازه ایشان بی دفاع در زیر آوار ماندند. ناگفته نماند که مدیریت جدید ارگ بم نیز در پایگاه باستان‌شناسی ارگ (خانه سیستانی‌ها) دچار آسیب ناشی از

زمین لرزه گردید که پس از مراجعه به بیمارستان در شرف بهبودی است.

علاوه بر این آسیب‌های وارد آمده بر محوطه تاریخی ارگ بم را بر حسب موقعیت مکانی و بلندی از سطح طبیعی زمین و یکدست بودن نسبی ساختار توده‌های متشکله آن‌ها، می‌توان به شش گروه دسته‌بندی کرد:

- چهل و هشت برج و باروی میان برج‌ها و دروازه ورودی اصلی مردم نشین.

- برج و باروی پیرامونی و مجموعه بناهای مرتفع حاکم نشین که بر فراز پشته سنگی استوار بوده‌اند.

- بناهای خدماتی حاکم نشین و محله‌های مسکونی و اماکن درونی مردم نشین.

- بناهای همجوار با باروی شهر بست و بیرون از برج و باروی ارگ.

- بازار، بناها و اماکن تاریخی شهر بم

- قنات‌ها، تأسیسات آبرسانی، باغ‌ها و نخلستان‌ها.

- چهل و هشت برج و باروی میان برج‌ها و دروازه ورودی اصلی مردم نشین؛ بنای سر دروازه ورودی و کلیه برج‌های پیرامونی مردم نشین دچار آسیب شده و دست کم سطوح فوقانی و جان پناه فراز برج‌ها و بارو و هر آن چه برجسته تر از سطوح یکنواخت بارو برپا بوده فرو ریخته است. بخش‌های آسیب دیده اغلب از توده‌های افزوده بر بنا؛ الحاقات و پوسته‌های تعمیراتی است که دست کم طی پنج قرن اخیر شکل گرفته است، همچنین ساخت و سازهایی را شامل می‌شود که در چهل و پنج سال اخیر بر توده‌های پنهان مانده در سطوح زیرین بنا استوار بوده‌اند، پوسته‌های مرمتی و چهره خواناسازی شده بنا در ده سال گذشته از این قاعده مستثنی نبوده و جز برخی از طاق آهنگ واحدهای ساختمانی حوزه شرقی ورودی اصلی که آسیب دیده ولی فرو نریخته بودند، همه ویران گردیده‌اند. بر نمای بیرونی اغلب برج‌ها و برخی از باروها پوسته‌ای به ضخامت یک متر از خشت و ملاط گل ساخته شده است. این پوسته احتمالاً از ساخت و سازهای عمومی ارگ بم در دوره سلطان اویس گورکانی تیموری است که بنا به خواست امیر ابابکر و اجبار و بیگار مردم بم برپا شده است. نشانه‌های آن در بسیاری از بخش‌های حصار پیرامونی و از جمله بر نمای برج شرقی دروازه ورودی بر جا

مانده که اغلب سطوح فوقانی آن جدا شده و قطعات بسیار بزرگ آن بر روی آوار بارو لغزیده است. در زیرسازی این پوسته که در حدود پنج قرن از عمر آن می‌گذرد از کلاف‌های چوبی تنه دو نیم شده درخت نخل بهره جسته‌اند.

باروی پیرامونی ارگ که ضخامت آن در جاهایی که دستکاری نشده‌اند به هفت متر می‌رسد، اغلب تا بلندی سطح مرد گرد بارو و پای دیوار جان پناه بر جا مانده است و بجز جداشدگی مرز میان توده‌های خشتی همگنی که در ساختمان بارو است و موجب جدا شدن و ایجاد ترک در توده حجیم آن شده است، چشم گیرترین آسیب بارو متوجه دیوار جان پناه فراز بارو است که در اغلب قریب به اتفاق موارد فرو ریخته است، ضخامت آن در حدود نیم متر و بلندی آن حداکثر به دو متر و نیم می‌رسد و فقدان کنگره‌های فراز آن چهره ارگ را غمگین نشان می‌دهد.

برج و باروی پیرامونی و مجموعه بناهای مرتفع تر حاکم نشین که بر فراز پشته سنگی استوار بوده‌اند؛ دچار سهمگین‌ترین آسیب شده‌اند. در سطوح زیرین این بخش از حاکم نشین ساخت و سازهایی با تکه سنگهایی بزرگ کار شده است، بلندی این سازه در نمای بیرونی آن در جبهه شرقی و همچنین در جبهه غربی به هفت متر می‌رسد که بر روی پشته سنگی طبیعی برپا شده و سنگ‌های بزرگ نمای آن با ملاط، بنایی شده ولی ملاط آن شناسایی نشده است. در جاهایی که این بخش از بنا در یک راستا بوده نشانی از آسیب نمایان نیست ولی در گوشه‌هایی که راستای نمای سازه، تغییر کرده یا مدور شده است، آسیب بروز کرده و سنگ‌های بزرگی که در زیر لایه‌های خشتی قرار داشتند از جای اصلی بیرون زده، پرتاب شده و در شیب بستر سنگی فرو غلطیده‌اند. و آن چه بر فراز موضع آسیب دیده بوده نیز فرو غلطیده و یا دست کم ترک برداشته است. شایان توجه است که پیش از سال ۱۳۷۲ حضور این ساخت و ساز و سنگی در جایی ثبت نشده بود و از آن جا که نمای آن در زیر پوششی از لایه‌های اندود کاهگلی پنهان مانده بود، کسی آن را گزارش نکرده بود. ساخت و سازهای فراز حاکم نشین که با وجود حیاط در میان خانه حاکم و حیاط شمالی برج دیده بانی و عمارت چهار فصل دارای سطوح پست و بلندی بوده‌اند دچار آسیب شده و تخریب شده‌اند. با این که بخش‌هایی از بنای چهار فصل و برج بلند دیده بانی (یا جایگاه آتش مقدس، نور) بر پا مانده و خانه حاکم قابل

تشخیص است شکاف‌هایی در راستای شمالی جنوبی که به موازات یکدیگر هستند در میان حیاط و بناها پدیده آمده و با یکدیگر هستند در میان حیاط و بناها پدید آمده و با وجود پس لرزه‌هایی که پس از گذشت بیش از سه ماه تا کنون تداوم داشته‌اند، مجموعه بناهای فراز حاکم نشین به ویرانی تهدید می‌گردند. بلندای سسی متری سازه‌های خشتی، همکن نبودن توده‌های ساختمانی، شکاف‌هایی که در بالای حاکم نشین دیده می‌شود، سنگینی آوار فرو ریخته و ادامه پس لرزه‌ها و همچنین ناشناخته ماندن تو یافته‌های باستان‌شناسی؛ و لایه‌های زیرین باستانی از اهم موارد مشکلات و آسیب‌هایی است که بر مجموعه بناهای حاکم نشین به شمار می‌رود.

بناهای خدماتی حاکم نشین و محله‌های مسکونی و اماکن درونی مردم نشین:

سربازخانه از جمله بناهایی است که کمتر دچار آسیب شده است و پوشش اطاق‌های پیرامون حیاط و همچنین راهروی ورودی بنا (از سمت بنای اصطبل) که ساخت و ساز نمای راهرو و پوشش آن از آجر است استوار مانده و آسیبی بر آن‌ها وارد نشده و یا بسیار جزئی است که خود موضوعی شایان توجه به نظر می‌رسد. از آن جا که این مجموعه در حوزه غربی بلندی‌های حاکم نشین و بر دامنه سطوح زیرین پشته سنگی جای دارد، محتمل است که از سمت و سوی تابش امواج زلزله که از گسل شرقی بر مجموعه اثر گذاشته به مناسبت موقعیت ویژه بنا مصون مانده باشد. بنای اصطبل و برج و باروی پیرامونی آن به شدت آسیب دیده است و هر چند که در روزهای نخست پس از وقوع زلزله بخش‌هایی از پوشش کروی سر پوشیده‌های اصطبل برپا مانده لکن با وقوع پس لرزه‌های بعدی اغلب پوشش‌های سنتی فرو ریخته و تنها در گوشه شمال شرقی و همچنین گوشه جنوب غربی بخش‌های کوچکی از گندها برپا مانده‌اند. اما ساخت و ساز آب انبار میان حیاط اصطبل و پوسته‌های تعمیراتی و نوساخته‌های آن بدون آسیب و استوار بر پا مانده است. آثار معماری بخش‌های گوناگون محله‌های مسکونی و راسته بازار دچار آسیب‌هایی شده است. بخش‌های گوناگون بنای مسجد جامع ارگ فرو ریخته و پایه‌های شبستان شرقی زیر و رو شده است. چارسوق بازار، خانه سباط، خانه سیستانی‌ها و مجموعه

میرزا نعیم از آسیب زلزله مصون نمانده و بجز بخش‌های شرقی خانه میرزا نعیم تخریب شده‌اند. در این میان بخش‌های نوساز حوزه شرقی ورودی دچار آسیب کمتری بوده و پوشش طاق آهنگ آن‌ها استوار مانده، تنها اسپر انتهایی برخی از اطاق‌ها از سازه اصلی جدا شده‌اند.

بناهای همجوار با باروی شهر بست و بیرون از برج و باروی ارگ:

مسجد حضرت رسول در فاصله‌ای نه چندان دور بیرون از مردم نشین ارگ بم و در سمت شرقی آن برپا بوده که بخش کوچکی از فضای آن به صورت بقعه و زیارتگاهی در آمده بود و دیگر عرصه‌های پیرامون بقعه به دفن اموات اختصاص یافته بود، پوشش و برخی از دیوارهای بقعه فرو ریخته است. در حوزه شرقی ارگ، ساختمان یخدان و دیوار یخ چاؤون مجاور آن از بزرگترین واحدهای معماری به شمار می‌رود که پس از تعمیر پوشش سنتی آن به عنوان تالار سخنرانی تجهیز شده بود و در کنگره تاریخ معماری و شهرسازی اول و دوم مورد بهره برداری قرار گرفته بود. یخش بزرگی از پوشش آن فرو ریخته و شکاف‌های عمیقی در جداره بیرونی آن به چشم می‌خورد. بیش از نیمی از بلندای دیوار یخ چاؤون و طاق نماهای عمیق آن نیز فرو ریخته است. برج‌های الحاقی دیوار شهر بست و همچنین دیوارهای الحاقی فرعی ارگ بم در جبهه شمالی آن نیز دچار آسیبی نه چندان شدید بوده‌اند. باروی شهر بست در مجاورت دروازه اسپیکان و بخش‌هایی از بنای دو اشکویه پخشاب مجاور دروازه نیز دچار لطماتی سنگین بوده و نیمی از بلندای آن پست شده است. بنای تاریخی قلعه دختر در شمال رودخانه پشت رود و در شمال ارگ بم نیز دچار آسیبی نه چندان شدید شده است و بیشترین آسیب آن، فرو ریختن نیمی از روکش الحاقی برج شرقی در وازه ورودی آن است که رو به شرق داشته است. بخشی از پوشش بنای چارطاق که تا پیش از وقوع زلزله برجا مانده بود به همراه سطوح فوقانی ستون‌های ارگ بم و در مشرق دچار آسیب شده است. این بنا از مانده‌های قرون اولیه دوران اسلامی است و با این که بر روی گسل زلزله واقع است آسیب چنانی به آن نیامده است.

- بازار، بناها و اماکن تاریخی شهر بم و حومه آن:
- قنات‌ها، تأسیسات آبرسانی، باغ‌ها و
نخلستان‌های شهر بم و شهر بروات

لایه‌های باستانی نو یافته:

نخستین نکته چشمگیری که در همان روزهای نخست پس از زلزله آشکار گردیده و مورد توجه و ثبت و ضبط مقدماتی قرار گرفت، کتیبه آجری بود که با گل و برگ تزئین شده بود. اما نکته بسیار مهمی که شایان توجه است، آشکار شدن مواد و مصالح لایه‌های زیرین بخش‌های گوناگون بناهای ارگ بود که تاکنون به این وسعت دیده نشده بود. تخته سنگ‌هایی که در شالوده بخش‌هایی از حاکم نشین است که در سطوح زیرین ساختمان چهار فصل و بنای برج دیده بانی (آتشکده یا مکان مقدس) و خانه حاکم تا ارتفاع هفت متری از سطح بستر سنگی بنا دیده می‌شود.

شایان توجه است که به هنگام بروز زمین لرزه، توده‌های خشتی همگن در اغلب موارد در مرز مشترک با سازه‌های مجاور ترک برداشته یا جدا شده‌اند و یا لایه جدیدتر که بر روی ساخته‌های قدیمی‌تر استوار بوده، دچار لغزش شده و فرو غلطیده است. و با این ترتیب دیوارها و ساخته‌های قدیمی‌تر آشکار شده است. در بخش زیرین کف ساختمان چهار فصل خشت‌هایی به اندازه‌های $۴۶ \times ۴۶ \times ۱۶$ در ساختمان دیوارهای و حتی طاق قوسی درگاه آشکار شده است که تاکنون گزارشی از وجود آن در دست نبود.

در بخش شمال، حمام دوره سلجوقی واقع در شمال بنای چهار فصل نیز سازه‌هایی با خشت‌های $۴۱ \times ۴۱ \times ۱۲$ نمایان شده که نظیر آن در گوشه شمال شرقی مردم نشین نیز دیده می‌شود. در اغلب موارد و از جمله دروازه ورودی ارگ و باروی شرقی همجوار با ورودی بافت خشتی یکدستی که اندازه‌های هر خشت برابر با $۱۴ - ۱۲ \times ۲۶ \times ۲۶$ سانتی متر آشکار گردیده است.

در ساختمان برج شماره هفت در میان جبهه جنوبی ارگ، آثار برجستگی‌هایی مانند ستون نما که حفره‌ای نظیر تیرکش در میان ستون نماها جاسازی شده نیز نمایان گردیده است که تاکنون نشانی از آن در دست نبود. با این ترتیب باید انتظار داشت که با وقوع زمین لرزه اطلاعات ارزنده‌ای از چهره اصیل برج و

بارو و دیگر عناصر معماری ارگ به دست خواهد آمد که در طرح مرمت سیمای ارگ مورد توجه قرار خواهد گرفت.

محوطه‌های باستانی پیرامون ارگ شهر بم:

ارگ بم بر بلندای صخره‌ای سترگ، مشرف به بستر خشک و پهناور رودخانه پشت رود جا دارد که از سوی غرب به شرق از شمال ارگ می‌گذرد. شهر بم و دیوار شهر بست قدیم آن در جنوب ارگ و در فاصله میان رودخانه پشت رود در شمال و رودخانه بمرود در جنوب آن جا دارد که خیابانی امروزی جای رود اخیر را اشغال کرده است.

ارگ بم عضوی از منظومه‌ای بزرگ از بناهای تاریخی است که آن را در میان گرفته‌اند؛ تل آتشی واقع در سی کیلومتری مغرب شهر بم از آثار هزاره چهارم بیش از میلاد شمرده شده است، محوطه باستانی بیرون در ده کیلومتری مغرب ارگ بم جا دارد و آن را به هزاره دوم تا هزاره اول پیش از میلاد نسبت داده‌اند و شهر باستانی دارزین که متعلق به قرون اولیه اسلامی است در مغرب شهر بم جا دارد و کوشک‌های جسیمی در میان مرکز محله‌های آن به چشم می‌خورد، جز آن قریه کوچکی در حوزه غربی شهر تا به امروز آباد است. قلعه دختر از بناهای تاریخی واقع در شمال رودخانه پشت رود است که همانند ارگ بم بر پشته‌ای سنگی استوار گردیده است.

در حوزه شمال غربی ارگ بم مانده‌های دروازه اسپیکان قابل شناسایی است که در میان جبهه شمالی باروی شهر بست بوده و اکنون بخش‌هایی از آن در فاصله نه چندان دوری از ارگ بم دیده می‌شود. در بخش شرقی راستای باروی شهر ساختمان یخ دان برپا بوده است. در جنوب شرقی ارگ بنای چارطاق، بر بالای بلندی مشرف به لبه گسل شرقی بم جا دارد. در فاصله میدان بنای چارطاق تا حوالی ارگ بم، محوطه باستانی وسیعی از دوران اسلامی در حوزه غربی رحیم آباد بر جا مانده است. کوشک رحیم آباد نیز در راستای گسل بم برپا مانده و دچار چندان آسیبی از زلزله نشده است. بنای تاریخی مسجد حضرت رسول در نزدیکی ولی بیرون از فضای ارگ جا دارد، هر چند که پیشینه این دو بنا سالیانی نشده است، با این حال قدمت آن‌ها، از قرون اولیه دوران اسلامی تا پیش از دوره ایلخانی قابل تخمین به نظر می‌رسد.

تاکنون وقوع زلزله‌ای بزرگ در منطقه بم گزارش نشده است و یا دست کم از آن بی اطلاع مانده‌ایم، با این حال ارگ بم هم طی عمر طولانی خود، بارها مورد مهاجمه، جنگ و محاصره‌های طولانی دشمن و تخریب و ویرانی بوده و نشانه‌هایی شاخص از ویرانی‌های آن در خور جستجو است. با این حال هر بار بالنده‌تر از گذشته برای استقرار نسل‌های بعدی انتخاب شده، مرمت شده و گسترش یافته است.

ساختمان ارگ بم در شکل توسعه یافته‌اش از دو بخش مردم نشین و حاکم نشین تشکیل شده است. در فضای شمالی و بیرون از حاکم نشین ارگ که در بخش شمالی ارگ است، بنای گنبد بزرگ یخدان و دیواره رفیع یخ چاؤون در راستایی شرقی غربی جا دارد.

کارنامه "سازمان" پس از زلزله ۵/۱۰/۱۳۸۲:

- نشست‌های روزانه در دفتر ریاست سازمان.
- استقبال از پیشنهاد امداد جهانی یونسکو، ایکوموس و دیگر مؤسسات فرهنگی، در رویارویی به آسیب‌های وارد شده به شهر بم.
- تشکیل کمیته‌های پشتیبانی: بین‌المللی، مالی اداری، مستندسازی، فنی اجرایی، گروه علمی.
- بازدید از شهر و ارگ بم: بوشناکی، گیو، باندارین، و اتانابه و...
- پایگاه میراث فرهنگی در ارگ بم: انتظامات، حراست و نگهبانی
- تشکیل پایگاه موقت میراث فرهنگی.

برنامه‌های عاجل:

- برگزاری نشست‌های مشورتی با کارشناسان خبره رشته‌های گوناگون مرتبط با مرمت ارگ بم در جهت برنامه ریزی و تصمیم‌گیری برای تعیین اولویت و آغاز کار.
- نظارت و کنترل رفت و آمد در محوطه باستانی ارگ بم و پیرامون آن.
- تهیه و اجرای طرح بازدید از ارگ بم و جاسازی کف فرش مسیر موقت بازدید.
- پیشگیری از دفع آوار و زباله در پیرامون ارگ بم
- اولویت‌های منتخب برای آغاز برنامه ریزی مرمت در ارگ بم.
- مستندسازی تصویری و برداشت نقشه فتوگرامتری سه بعدی از وضع موجود ارگ بم.

- تدارک و بررسی طرح مرمت برج و باروی پیرامونی مردم نشین.

- نام گذاری برج‌های نمای بیرونی و باروی مردم نشین از شماره ۱ تا ۴۸، بر مبنای برج گوشه جنوب غربی با شماره یک به سمت ورودی ارگ و غرب آن. و نام گذاری هر یک از فضاهای شبکه ۵۰ در ۵۰ متری در فضای درونی مردم نشین و حاکم نشین ارگ.

- مستندسازی وضع موجود بنا پیش از دفع آوار زلزله، شناسایی توده‌های همگن بر جا یا فرو افتاده از برج و باروی پیرامونی از طریق تهیه کروکی، و درج هویت از قطعات جدا شده (اندازه‌های خشت و دیگر مصالح بکار رفته در بنا)، تهیه تصویر از هر یک از نماهای برج‌ها و گردآوری و طبقه بندی دیگر آثار فرو ریخته.

- گردآوری مدارک و اسناد باستان‌شناسی از میان قطعات فرو ریخته و ثبت نام موقعیت آن‌ها.

- اختصاص جایی متناسب برای شستشو و تمیز کردن مدارک باستان‌شناسی و بررسی و طبقه بندی و نگهداری از مدارک منتخب.

- تدارک مقدمات ارزیابی و تهیه طرح مرمت هر یک از برج‌ها و باروهای پیرامون مردم نشین، پس از ثبت و ضبط آوار فرو ریخته و وضع قطعات جدا شده از بدنه اصلی بنا، با توجه به شکل و مشخصات بنا پیش از وقوع زلزله.

- تهیه طرح دفع آوار هر یک از بخش‌های منتخب برای اجرای طرح باستان‌شناسی، مستندسازی و مرمت معماری که بر حسب مورد با وسایل دستی، ظرف‌های خاکبرداری دستی، فرقون، ریل و واگن، سیم نقاله، خرطوم شوت، بالابر برقی، جرثقیل یا برج‌های بلند حمل مصالح صورت خواهد گرفت.

مواضع مهم و خطرناک حاکم نشین: بناهای فراز بستر سنگی حاکم نشین از اهم بناهای آسیب دیده ارگ بم هستند که به ویرانی و نابودی کامل تهدید شده و در اسرع وقت می‌بایست به نجات آن‌ها پرداخت و پیش نیاز مرمت در آنها برنامه ریزی‌های فوق العاده جانبی است.

- با رعایت اولویت عاجل، مستندسازی جبهه شرقی حاکم نشین و دیگر وجوه آن با فتوگرامتری لیزری در برنامه کار قرار گرفت و در اسرع وقت (اسفند ۱۳۸۲) تفاهم نامه تدارک آن با شرکت نما پرداز - ریگل تنظیم گردید و بلافاصله برداشت میدانی

مشخصات سطوح نما و نقشه‌های حاکم نشین آغاز گردید.

- با مشورتی که با کارشناسان و اساتید بین‌المللی یونسکو صورت گرفت، پس از چندین بار بازدید از محل که طی سه روز متوالی در اسفند ماه سال ۱۳۸۲ صورت گرفت. ضرورت سبک سازی و رفع خطر از سقوط لایه‌های جدا شده حاکم نشین مجموعه با رعایت اولویت عاجل در برنامه کار قرار گرفت.

- طرح ایجاد کمر بند تسمه‌ای بر پیرامون برج جنوب شرقی حاکم نشین توسط گروهی پیشنهاد گردید.

- طرح و اجرای سبک سازی سطوح فوقانی حاکم نشین و دفع آوار انباشته بر بخش‌های مختلف آن با رعایت موازین ویژه و احتیاط کامل از پرتگاه جبهه شرقی در برنامه کار قرار گرفت.

- شیوه گردآوری آوار از سطوح فوقانی با ابزار دستی و دفع آن از طریق خرطومی شوت و بدون ایجاد غبار پیشنهاد گردید. خرطومی شوت می‌بایست با پایه‌های مستقل از بنا و بدون تماس با بنای تاریخی و با شیب مناسب آوار را دفع نماید.

- رفت و آمد کارگران و ابزار و وسایل ایمنی و کار ایشان می‌بایست با بالابر برقی بدون لرزش که بر پایه‌های مستقل استوار باشد (بدون اتکای به کالبد بنای تاریخی) صورت پذیرد.

- آوار سطح فوقانی حاکم نشین پس از بازبینی جزییات و ثبت و ضبط مدارک باستان‌شناسی و شناخت و طبقه‌بندی مواد و

مصالح معماری و مستندسازی هر یک از آن‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

- همزمان با دفع آوار اضافی و سبک سازی سطوح فوقانی حاکم نشین می‌بایست طرح استحکام بخشی جداره رفیع جبهه شرقی بر اساس نقشه‌های فتوگرامتری و معاینه‌های محلی تهیه و پیشنهاد گردد.

- این پیش طرح جهت کسب نظرات اصلاحی کارشناسان خبره و تدارک مقدمات اجرایی تهیه شده است.

- اجرای طرح ایجاد تسهیلات مقدماتی برای بازدید عموم مردم از ارگ بم با استقبال بسیار زیاد شهروندان بمی و میهمانان نروزی شهر بم روبرو گردید و موجب شد که رفت و آمد در ارگ بم با نظم و ایمنی بیشتری صورت پذیرد.

پل معلق بر روی آوار ارگ بم برای سهولت رفت و آمد بازدیدکنندگان ارگ بم

شیوه‌های دفع آوار

تدارک جای مناسبی برای دفع آوار که مشخصات آن طی مقاله جداگانه‌ای پیشنهاد گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی